درس پنجم

شهيد راه حكمت

- سقراط چهره درخشان تاریخ فلسفه است

- او به عنوان اولین مبارز با سوفسطائیان شناخته می شود

- او در قرن پنجم قبل از میلاد می زیسته است

- زرگ ترین شاگرد او افلاطون است که در تاریخ فلسفه تاثیر بسزایی داشته است

- سقراط برای مبارزه با سوفسطائیا ن به بحث و تبادل نظر با جوانان مشغول می گشت و سعی می کرد روح کمال طلبی جوانان را بر انگیزاند

- روش سقرلط و نزدیکی او به جوانان و شخصیت او باعث شد که آماج کینه توزی و بد خواهی فضل فروشان و جاه طلبان قرار گیرد

- همین امر باعث شد تا سه نفر از متنفذان شهر آتن بر علیه او به دادگاه شکایت کنند و او را برای محاکمه به دادگاه فرا خوانند

 عواملی که باعث شد سقزاط به محاکمه کشیده شود :

1. شخصیتی همانند سقراط چون به مردم آگاهی می دهد دیر یا زود آماج کینه توزی و بد خواهی قرار می گیرد
2. چون سقراط خواب راحت را از دیدگان فضل فروشان و جاه طلبان می رباید
3. علاقه جوانان به راه و روش و افکار او سبب می شد تا حسادت بسیاری که مدعی تعلیم و تربیت بودند برانگیخته شود
4. رویارویی او با سوفسطائیان موجب کسادی بازار آنها می شد

اتهام سقراط در دادگاه هلياست:

- انكار خدايان و از خدايان جديد سخن گفتن

 - گمراه كردن جوانان از دين و ايين پدرانشان

**سقراط علت تهمت هاي كه به او زده شد چه می داند؟**

 سقراط در دادگاه علت اصلی تهمت ها یی که به او زده شده و علت محاکمه خود را این گونه شرح می دهد

خدای معبد دلفی از طریق سروش ( فرشته وحی ) به کرفون ابلاغ كرده است كه **هيچ كس دانا تر از سقراط نيست** ، چون مي دانستم كه دانا نيستم براي پيدا كردن راز اين ابهام خدايي به سراغ دانايان شهر رفتم و ضمن گفتگو و بحث با انها دريافتم كه هم من و هم آنها دانا نيستيم و **فرق من با آنها اين بود كه آنها نمي دانستند كه نادانند و من می دانستم که نادانم** و تنها در همين نكته ی كوچك از انها داناتر بودم و ازمودن تمام دانايان شهر همين نتيجه را به دنبال داشت و **چون ناداني آنها براي خودشان و ديگران آشكار شد با من دشمني كردند و به من تهمت زدند**

متهم كنندگان سقراط چه كساني بودند و هر كدام نماينده ی چه گروهی بودند؟

 - ملتوس : نماينده ی‌ شاعران

 - آنيتوس : نماينده ی پيشه وران و متنفذان

 - ليكون : نماينده ی خطيبان و وكيلان

**جواب سقراط به اتهام انكار خدا:**

سقراط در جواب اين اتهام گفت: آيا ممكن است كسي وجود اسب را انكار كند ولي وجود زين و لگام و دهنه و ساير امور مربوط به اسب را بپذيرد ؟ **آيا كسي پيدا مي شود كه علم و قدرت و عدالت فوق بشري داشته باشد ولي وجود خدا را منكر شود.**

**جواب سقراط به اتهام گمراه كردن جوانان:**

سقراط در دادگاه از ملتوس ( نماینده متهم کنندگان ) اعتراف گرفت که همه مردم قادر به تربیت جوانان هستند بجز سقراط ، و ملتوس معتقد بود از میان همه مردم یک شهر فقط چند نفر قادر به تربیت اسب هستند

 سقراط به قاضی و بقیه مردم گفت اینها همه مردم را قادر به تربیت جوانان می دانند بجز سقراط ،اما از میان مردم یک شهر فقط تعداد اندکی قادر به تربیت اسب هستند و **با این سخن سقراط به ملتوس و حضار ثابت كرد كه آنها هيچ درك روشني از تربيت جوانان ندارند و اين تهمت، تهمت بي مورد است**

پیام سقراط

* + سقراط در دفاعیه خود ، راز دانایی خود را آگاهی نسبت به نادانی خویش می داند و می گوید دیگران از نادانی خود خبر ندارند و ماموریت الهی و معنوی خود را این می دانست که با مدعیان علم و دانایی به گفتگو بنشیند و به آنها نشان دهد که از دانش بهره ای ندارند
	+ سقراط با سوفسطائیان روبرو بود که با سخنوری و مجلس آرایی و داستان گویی و حماسه سرایی نظر مردم را جلب می کردند و روز به روز بر غرور و ادعایشان افزوده می شد

دو جنبه ی مهم پيام سقراط به مردم :

**جنبه ی اول : نمي دانم سقراط گامي به سوي خود اگاهي.**

 - اولين گام در راه كسب حكمت و دانايي«خود آگاهي» است.

 - نمي دانم سقراط در واقع آواي خويشتن شناسي و آ گاه شدن از گوهر تابناك انسانيت بود كه درون هر انساني نهفته است.

 - **نمي دانم سوفسطايان معنايي جزء «نمي توانم بدانم» در بر نداشت** و هيچ معيار ثابتي در شناخت و عمل در اختيار بشر نمي گذاشت و بشر در ديدگاه سوفسطايان محكوم به جهل و شك و بي اعتمادي است.

 - **شعار«خود را بشناس»** از طرف سقراط پرده ای از جهل مركب از برابر ديدگان بر می دارد و به همه مي آ موزد كه كه با تكيه بر عقل خدادادی از وسوسه و شك و گمان خلاصي يافت و راه حقيقت را پيمود.

 **- نمي دانم سقراط سر آغاز راه حكمت و معرفت و همراه هميشگی جوينده حقيقت است**

**جنبه ی دوم:بحث معّرَف و معرِّف ( تعریف) :**

مبحث تعریف در منطق يادگار سقراط است او مي گويد: هر چيزي از تعريف ثابتي برخوردار است . اگر به تعريف اشياء برسيم به دانش درست و مطمئني دست پيدا كرديم.

سقراط سعی داشت در آثار از اموری مانند شجاعت ، عدالت ، دوست ، فضیلت و زیبایی تعریفی درست ارائه دهد

چند نکته در مورد عقايد سقراط :

 - ثروت فضيلت به بار نمی آ ورد بلكه از فضيلت است كه ثروت و هر چه كه براي افراد و جامعه سودمند است به دست می ايد.

 - ارشاد مردم رسالتي است كه خداوند با نداه هاي غيبی و در رويا بر عهده ی سقراط نهاده است.

 - وظيفه قاضی تشخيص حق از باطل است و وظيفه ی متهم صداقت و راستگويي است.

 - دانای حقيقي كسي جزء خدا نيست و راز پیام سروش معبد دلفی این بود که به ما بفهماند تا چه حد نادانیم .

 - دانا ترين آدميان كسي است كه چون سقراط بداند كه هيچ نمی داند.

 - ترس از مرگ جز اين نيست كه آدمي خود را نسبت به مرگ دانا پندارد بي آنكه دانا باشد يعني اينكه چيزي راكه گمان می كند می داند ، نمی داند.

 - من تنها از چيز هاي مي ترسم كه می دانم به راستی زيان آور است مانند بي اعتنايي به قانون و سر پيچي از فرمان كسي كه بهتر از من است خواه خدا باشد خواه آدمي

 - هيچ سعادتي براي شهر من بالاتر از خدمتي كه من به پيروی از خدا به شما می كنم نيست و این خدمت باعث این می شود به جوانان و پيران ثابت شود كه پيش از آنكه در انديشه ی جسم و مال و مقام باشند بايد به روح خود بپردازند و در تربيت آن بكوشند.

 - سقراط مرگ را از زندگي كه با زاري و طلب ترحم همراه باشد برتر مي شمرد.

 - گريز از مرگ دشوار نيست بلكه گريز از بدي ها دشوار است زيرا بدي از مرگ تند تر می دود

 - مرگ از ديدگاه سقراط عبارت است از انتقال به جهان ديگر و هم نشيني با نیکان و بلند مرتبگان